

جانانان کوک (۱):

مواضع استارمر (۲) در غزه نقاب دروغین دموکراسی بریتانیا را به کناری زده است.

سه‌شنبه ۱۶ آبان‌ماه ۱۴۰۲، ۷ نوامبر ۲۰۲۲

برگردان به فارسی از نادر ثانی

https://jonathancook.substack.com/p/starmers-gaza-stance-has-unmasked?utm_source=post-email-title&publication_id=476450&post_id=138667374&utm_campaign=email-post-title&isFreemail=true&r=2x9vbf&utm_medium=email

امتناع رهبر حزب کارگر انگلستان از حمایت از آتش‌بس نشان می‌دهد که در جهت برآوردن نیاز سیاسی راضی نگه داشتن واشنگتن، اصول اخلاقی و قانونی به عقب رانده شده است.

اگر دموکراسی به در دسترس بودن انتخاب‌های سیاسی معنادار بستگی داشته باشد، سیاستمداران کمی هستند که بیشتر از استارمر برای نابودی دموکراسی بریتانیا کاری انجام داده باشند.

او بیشتر سه سالی را که عنوان رهبر حزب کارگر (۳) را داشته، در تعقیب حزب محافظه‌کار (۴) حاکم گذرانده است، و حزب حاکم هر چه بیشتر به مناطق دورافتاده جناح راست می‌گریزد. این روزها در تمامی موضوعات مهم روز، حزب کارگر استرمارم بازتابی کم‌رنگ از همتای محافظه‌کار خود است.

مرگ اختلافات سیاسی با واکنش دو حزب بریتانیایی به جنگ چهارهفته‌ای اسرائیل در غزه به وضوح نشان داده می‌شود. مشخص است که حدود ده هزار فلسطینی کشته شده‌اند که ۴۰ درصد آنها کودک هستند و تعداد بسیاری از آنها هنوز زیر آوارها هستند.

آنهايي که زنده‌اند نه تنها با باران دائمی بمب روبرو می‌شوند، بلکه به دلیل تشدید چشمگیر محاصره ۱۶ ساله اسرائیل، از دسترسی به غذا و آب محروم هستند. محرومیت از دارو و برق به این معنی است که بیمارستان‌ها به سختی کار می‌کنند و ده‌ها هزار مجروح نمی‌توانند از مراقبت مناسب برخوردار شوند. دولت اسرائیل – افراطی‌ترین دولت دست راستی این کشور در تاریخ خود - از فلسطینی‌های غزه به عنوان "حيوانات انسان‌نما" یاد می‌کند. نخست وزیر این کشور، بنیامین نتانیاهو، در مورد فلسطینی‌ها آشکارا با عباراتی که جز نسل‌کشی معنایی نمی‌دهند، صحبت می‌کند. او آنها را "عمالیق" (۵) می‌نامد، دشمن توراتی بنی‌اسرائیل که باید نابود شوند.

در این فضای دشمنانه ، یکی از وزیران دولت اسرائیل روز یکشنبه حتی پیشنهاد کرد که یک بمب اتمی بر روی غزه انداخته شود و افزود که هر کس پرچم فلسطین را به اهتزاز درآورد "نباید به زندگی بر روی زمین ادامه دهد."

جایی برای فرار وجود ندارد.

شاید بتوان تصور کرد که در این لحظه این موضوع مناسبیست که حزب کارگر بتواند اختلاف خود را با یک دولت محافظه کار قابل پیش بینی که کاملاً پشت سر اسرائیل ایستاده است، آشکار سازد.

استارمر در سابقه فردی خویش وکیل حقوق بشر است. اکثریت مردم بریتانیا از افزایش تلفات، به ویژه کودکان، خشمگین هستند، زیرا جایی برای فرار غیرنظامیان از بمباران وجود ندارد. بریتانیا این روزها بزرگترین تظاهرات سیاسی خود را پس از زمان تظاهرات علیه جنگ عراق در ۲۰ سال پیش دیده است.

به نظر می رسد که حتی رسانه های حاکم پس از حمایت اولیه از نمایش سلاح های آتش نشان اسرائیل در غزه، در مقابل سیل تصاویر کودکان له شده و خون آلود دست از حمایت کامل خود برداشته اند.

در این شرایط، درخواست آتش بس و حمایت از کودکان باید از نظر سیاسی فاقد حساسیت باشد. با این حال استارمر از ارائه حمایت حزب کارگزار این خواست خودداری کرده است. در عوض، او به واشنگتن نزدیک شده و چشم خود را بر نسل کشی در حال وقوع در غزه می بندد.

آیا این پاسخ حزب کارگر را از هم می پاشد؟

ده ها تن از رهبران شوراهای محلی در اعتراض به این موضوع استعفا داده اند و این امر منجر به از دست دادن کنترل حزب کارگر بر دو شورای شهری از جمله شهر آکسفورد شده است. روز یکشنبه، رهبر شورای شهر برنلی و ده عضو شورای این شهر از عضویت در حزب استعفا دادند. صدها تن دیگر از اعضای شورا ها نامه ای سرگشاده نوشته و خواستار حمایت استارمر از آتش بس شده اند. دست کم ۱۶ نفر از اعضای مهم حزب نیز مانند شهرداران حزب کارگر در شهرهای لندن و منچستر، صدیق خان (۶) و اندی برنهام (۷)، به صفوف مخالفان پیوسته اند.

زمانی که استارمر موضع گرفت، این کار را برای مجازات یکی از پشتیبانان خود، اندی مک دونالد (۸)، که فراخوان «آزادی صلح آمیز» برای «تمامی مردم، اسرائیلی ها و فلسطینی ها، بین رودخانه و دریا» داده بود، به انجام رساند. مک دونالد مورد خشم حزب کارگر قرار گرفته و از حزب پارلمانی به کناری انداخته شد.

استارمر به جای اینکه به دنبال التیام زخم‌های حزب باشد، بر یک امر حقوقی تکیه کرده و گفته است: «این عاقلانه نیست که سیاستمداران روی صحنه‌هایی مانند این ایستاده و یا در استودیوهای تلویزیونی بنشینند و روز به روز اعلام کنند که کدامین اعمال ممکن است منطبق بر قوانین بین‌المللی بوده یا نباشد.»

یکی از مقامات ارشد حزب کارگر با انعکاس اولویت‌های حزب، عدم حمایت از غزه را به‌عنوان «پراندن حشرات مزاحم» توسط حزب کارگر توصیف کرده است.

نازک‌ترین روکش

بخشی از دلیلی که بسیاری موضع استارمر در مورد غزه را نفرت‌انگیز می‌دانند این است که او با موضع خود به وضوح هم از قوانین جنگ و هم از واقعیت‌های آشکار روی زمین فاصله می‌گیرد.

به جای حمایت از درخواست سازمان ملل برای اعلام آتش‌بس، گزینه اولیه استارمر این بود که علناً از "محاصره کامل" غزه توسط اسرائیل و مجازات دسته‌جمعی مردم غزه، علیرغم اینکه این سیاست آشکارا قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند، حمایت کند.

رهبر حزب کارگر بمباران مردم غیرنظامی غزه را «حق اسرائیل برای دفاع از خود» توصیف کرده است، حتی اگر واقعیت آن است که حماس، برخلاف غیرنظامیان، تا حد زیادی در شبکه گسترده تونل‌های زیرزمینی خود تخریب هوایی را تحمل می‌کند.

استارمر افزایش تعداد کشته‌شدگان فلسطینی را به عنوان بهای ضروری برای آزادی بیش از ۲۰۰ اسرائیلی که در حمله حماس در ۷ اکتبر (۱۵ مهرماه) گروگان گرفته شده بودند، پذیرفته است. اما او بدین ترتیب عمل اسرائیل را که تعداد بسیار بیشتری از مردم - ۲،۳ میلیون فلسطینی در غزه - را نیز به گروگان تبدیل کرده، تایید کرده است. در حقیقت، این بمباران اسرائیل است که بزرگترین تهدید را برای زندگی گروگان‌ها ایجاد می‌کند.

اگرچه اسرائیل و استارمر از ذکر آن اجتناب می‌کنند، اما امنیت گروگان‌ها با مذاکره برای آزادی آنها به بهترین وجه تامین می‌شود. حماس در عوض خواهان آزادی برخی از هزاران زندانی سیاسی فلسطینی است که در اسرائیل نگهداری می‌شوند.

و در نهایت، استارمر با دولت بایدن همگام شده و فقط از به اصطلاح «مکت‌های بشردوستانه» حمایت می‌کند - که در واقع چیزی جز چراغ سبز واشنگتن برابر اسرائیل برای ادامه بمباران بدون مزاحمت غزه نمی‌باشد.

این مکت‌های کوتاه در حملات هوایی، که اسرائیل آنها را رد کرده است، به مردم تنها اجازه می‌دهد تا پیش از اینکه اسرائیل دوباره بمباران آنها را آغاز کند، مقادیر اندکی غذا و کمک‌هایی که بتوانند برای آبی گرسنگی آنها را برطرف نمایند، دریافت کنند.

همانطور که استارمر می‌داند، این اقدام به عنوان پوشش «بشردوستانه» ناچیزی برای پنهان کردن نقض آشکار قوانین جنگ توسط اسرائیل در نظر گرفته شده است.

بدتر از آن، استارمر باید آگاه باشد که این "سیل رنج انسانی" در غزه، به قول یکی از پزشکان، حتی به آنچه اسرائیل به عنوان هدف ظاهری خود عنوان می‌کند، نخواهد رسید.

به گفته اسرائیل، خشونت فوق‌العاده این کشور - که تاکنون معادل حداقل دو بمب هسته‌ای بر غزه کوچک پرتاب کرده است - برای ریشه‌کن کردن حماس ضروری است. اما، مانند جنگ ایالات متحده علیه تروریسم، جنگ با حماس نیز قطعاً شکست خواهد خورد.

مقاومت مسلحانه - چه به آن ترور گفته شود یا نه - پاسخی قابل پیش‌بینی از سوی ستمدیدگان به خشونت و سوءاستفاده سیستماتیک خارج از حد است؛ آینه‌ای است که ستمدیدگان به سوی ستمگران‌شان می‌گیرند.

حزبی در جنگ

استارمر همه این‌ها را می‌داند، پس چرا حزب کارگر اینقدر همه‌جانبه از اسرائیل حمایت کرده و اختلافات درون حزبی را که از مدتها پیش در حال جنگ درونی بوده است، عمیق‌تر می‌کند؟

دلیل این امر باید واضح باشد: استارمر دیده است که چه اتفاقی برای سلفش، جرمی کوربین (۹) افتاد. کوربین که یک سوسیالیست میانه‌رو بود، از ادامه خط مورد انتظار بریتانیا برای حمایت سرسختانه از اسرائیل به عنوان متحد کلیدی غرب در خاورمیانه نفت‌خیز خودداری کرد.

کوربین برای عملی کردن یک سیاست خارجی واقعاً اخلاقی مبارزه کرد. او مایل بود به فروش تسلیحات انگلستان به اسرائیل پایان داده و اسرائیل را تحت فشار

قرار دهد تا به اشغال و محاصره ۱۶ ساله غزه پایان دهد؛ محاصره‌ای که یکی از نارضایتی‌های اصلی مسبب حمله حماس در ۷ اکتبر (۱۵ مهرماه) بود. حتی در حال حاضر، کوربین یکی از معدود سیاستمداران بریتانیایی است که با تمام وجود خواستار آتش‌بس است.

موضع چندگانه کوربین در مورد مسئله اسرائیل-فلسطین، و همچنین سیاست خارجی گسترده‌تر بریتانیا، در آن زمان کارزار بی‌وقفه‌ای را برای بدنام کردن حزب کارگر به عنوان کانونی یهودی‌ستیز برانگیخت.

این به وجهه عمومی کوربین آسیب زد. اما بدون شک استارمر به همان اندازه نگران تهدیدهایی است که کمتر قابل مشاهده، اما حتی تهدیدآمیزتر از سوی قدرتمداران بریتانیا علیه سلف او بود.

«عادلانه یا نفرت‌برانگیز» به چه معنایی است؟

تقریباً به محض اینکه کوربین در سال ۲۰۱۵ به عنوان رهبر حزب کارگر انتخاب شد، یک ژنرال بریتانیایی که نامش فاش نشد با روزنامه تایمز صحبت کرده و هشدار داد که از هر وسیله‌ای - "عادلانه یا غیر قابل قبول" - برای جلوگیری از رسیدن کوربین به پست نخست‌وزیری کشور استفاده خواهد شد. این ژنرال حتی تهدید به "شورش" توسط نیروهای مسلح کرد.

نگاهی اجمالی به تصویری که فرماندهی ارشد نظامی از کوربین داشتند، در یک ویدئوی فاش‌شده ارائه شده است. این فیلم نشان می‌دهد که سربازان، به احتمال زیاد در افغانستان، از تصاویر کوربین به عنوان تمرین هدف استفاده می‌کنند.

در اقدامی بی‌سابقه، رسانه‌ها - احتمالاً با کمک دستگاه اطلاعاتی بریتانیا - اطلاعات نادرستی مبنی بر اینکه کوربین به‌عنوان جاسوس اتحاد جماهیر شوروی گذشته‌ای خیانت‌آمیز داشته است، ترویج کردند.

در موقعیت دیگری، به طور گسترده گزارش شد که کوربین توسط MI5 (۱۰) برای یک جلسه توجیهی در مورد "حقایق زندگی" خود احضار شده است. یک منبع ناشناس به تایمز گفته بود که: «اظهارات کوربین درباره تروریسم برای سرویس‌های امنیتی "ناراحت‌کننده" بوده است.» در اقدام زیربانی دیگری از دستگاه دولتی، که این بار نیز توسط رسانه‌ها تقویت شد، ادعا می‌شد که کوربین برای پست نخست‌وزی بسیار پیر و «ضعیف» است.

عزم برای از بین بردن سیاست روزمره با هدف جلوگیری از قدرت گرفتن کوربین حتی به آن سوی اقیانوس اطلس نیز کشیده شد. یک مکالمه فاش شده با رهبران یهودی آمریکایی حاکی از آن است که مایک پمپئو، رئیس وقت سیا، قول داده بود که آنچه می‌تواند به انجام رساند تا مطمئن شود که کوربین به عنوان نخست وزیر انتخاب نمی‌شود.

پمپئو گفته بود: «ما تمام تلاش خود را انجام خواهیم داد تا از نخست‌وزیر شدن کوربین جلوگیری کنیم. چرا که اگر چنین اتفاقی بیفتد، امری بسیار پُرخطر، با اهمیت و بسیار دشوار خواهد بود»

گذشته پنهانی

آنچه در بالا آمد اموری بودند که قابل مشاهده بودند، آنچه که بر سطح دریای خشم قدرتمداران از کوربین به خاطر اتخاذ سیاست خارجی‌ای اخلاقی که خواسته‌های ایالات متحده برای «تسلط کامل در تمام ابعاد جهانی» را در هم می‌شکست در جریان بود. هیچ یک از این امور نمی‌تواند مورد توجه استارمر قرار نگرفته باشد.

او همچنین نمی‌توانست متوجه اهمیت رفتار وحشیانه واشنگتن با جولیان آسانژ **را** نباشد. بنیانگذار ویکی‌لیکس سال‌هاست که در زندانی با درجه امنیتی بالا در لندن محبوس است و این در حالی است که دولت‌های متوالی روند استرداد درازمدتی را برای محاکمه او به دلیل افشای جنایات جنگی آمریکا و انگلیس در عراق و افغانستان به راه انداخته‌اند.

استارمر پیش از تبدیل شدن به یک سیاستمدار، عمیقاً - به عنوان ریاست دادستانی - در شکار برجسته‌ترین زندانی سیاسی بریتانیا، هرچند که نمی‌دانیم دقیقاً به چه گونه، درگیر بود.

طبق بررسی‌های وبسایت «پرده‌برداری از محرمانه‌ها (۱۱)»، سرویس دادستانی سلطنتی به ریاست استارمر، تمامی سوابق مربوط به چهار سفر او به واشنگتن را در زمانی که پرونده آسانژ در آن زمان، مانند اکنون، بحث‌انگیزترین مورد رسیدگی بود، از بین برد.

به این اعمال عمیقاً خلاف عرف توضیحی داده نشده است، اما آنها نشان می‌دهند که استارمر دریافته است که از مقامات بریتانیایی انتظار می‌رود برنامه امنیت ملی واشنگتن را در اولویت قرار کار دهند.

اگر استارمر این درس را به طور کامل در زمانی که او به عنوان رئیس سرویس دادستانی سلطنتی خدمت می کرد، فرا نگرفته بود، آن را سپس در طی دوره چهار یا پنج ساله‌ای که در کمیسیون مخفی سه‌جانبه کار می‌کرد آموخت.

او در حالی که در کابینه فرضی کوربین خدمت می‌کرد - ظاهراً بدون اطلاع کوربین - به گروهی بین‌المللی پیوست که روابط قوی با سرویس‌های اطلاعاتی بریتانیا و ایالات متحده دارد. استارمر همچنین فراموش کرد که عضویت خود در این گروه را به پارلمان بریتانیا اطلاع دهد.

استارمر یکی از تنها دو نماینده بریتانیایی بود که گمان می‌رود در دهه ۲۰۱۰ به این کمیسیون دعوت شده باشند. او در این دوره در کنار دو رئیس سابق سیا خدمت می‌کرد. می‌دانیم که او در مراسمی در لندن در کنار روسای سابق MI5 و GCHQ (۱۲) سخنرانی کرده است.

به نظر "جدی"

یکی از وزیران کابینه فرضی حزب کارگر که نزدیک به استارمر است با توضیح اصرار استارمر بر نادیده گرفتن حمایت مردم از آتش بس، اخیراً به روزنامه آبزور گفت که اتخاذ مواضع «غیرمعتبر» در مورد غزه برای همکارانش آسان است. این روزنامه گزارش داد که استارمر «اگر او از این روش پیروی کند، به عنوان یک نامزد نخست‌وزیری غیرجدی به نظر می‌رسد.»

اما غیرجدی برای چه کسانی؟ واضح است که مخاطبان استارمر رای‌دهندگان بریتانیایی نیستند.

حقیقت این است که سیاست او نه بر اساس اولویت‌های انتخاباتی، نه بر پایه نگرانی اخلاقی او از رنج ۲،۳ میلیون فلسطینی در غزه، و نه بر اساس مفاد قوانین بین‌المللی که اسرائیل به صراحت روز به روز آنها را زیر پا می‌گذارد، هدایت می‌شوند.

در این راستا، استارمر همان مسیری را طی می‌کند که یکی دیگر از اسلاف او، تونی بلر، با اظهارات دروغین خود به دستور واشنگتن راه بریتانیا را به جنگی فاجعه‌بار و غیرقانونی علیه عراق در سال ۲۰۰۳ باز کرد.

مانند بلر، تنها علاقه واقعی استارمر این است که توسط مؤسسات ایالات متحده و بریتانیا "جدی" گرفته شود - و اگر واقعیت بخشیدن به این امر می‌باید به بهای پشت کردن به کودکان کشته‌شده فلسطینی باشد، بگذار چنین شود.

این دقیقاً نتیجه‌گیری‌ای بود که این هفته مایکل پورتیلو، وزیر دفاع سابق محافظه‌کاران عرضه کرد. او رهبر حزب کارگر را به دلیل اثبات "توانایی" خود در امتناع از قبول آتش‌بس ستود. پورتیلو با بیان این امر ناگفته‌ها را با صدای بلند، اعلام کرده و افزود که موضع استارمر اطمینان لازم را به واشنگتن می‌دهد که می‌خواهد بداند آیا یک دولت حزب کارگر در بریتانیا از اتحاد با ایالات متحده منحرف خواهد شد یا خیر؟

استارمر دقیقاً تا جایی که واشنگتن به او اجازه دهد پیش خواهد رفت. او بر «وقفه‌های بشردوستانه» بی‌معنی فشار خواهد آورد و به طور مبهم در مورد نیاز به راه‌حل دو کشوری که اسرائیل سال‌های سال است به دست فنا سپرده، صحبت خواهد کرد؛ راه‌حلی که قابل احیا نیست. و در واقع استارمر، همانند دولت بایدن، تنها از اهدافی حمایت خواهد کرد که هیچ تاثیری بر عملکرد اسرائیل برای ادامه بمباران غزه، کشتن هزاران کودک دیگر، در جنگی که نمی‌توان در آن برنده شد، نخواهد گذاشت.

و با توجه به پرهیز قدرتمداران در خارج شدن از محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط جریان اصلی و گفتمان سیاسی حزبی، امتناع استارمر از فشار بر علیه سیاست‌های نسل‌کشی اسرائیل به این معنی است که رسانه‌ها نیز در بیان دیدگاه‌های اکثر مردم ناکام خواهند بود.

اینکه استارمر عمق فریب را در قلب سیاست بریتانیا آشکار می‌کند، فراغ خاطر ناچیزی به همراه می‌آورد. واقعیت این است که بریتانیا محکم در مشیت ایالات متحده جای گرفته است - درست به همانگونه که سیاستمداران این کشور که به دنبال مقامات عالی هستند در آن مشیت جای دارند.

پانوشت‌ها:

Jonathan Cook (۱)

Keir Starmer (۲)

Labour (۳)

Tory (۴)

Amalek (۵)

Sadiq Khan (۶)

Andy Burnham (۷)

Andy McDonald (۸)

Jeremy Corbin (۹)

(۱۰) یکی از سازمانهای اطلاعاتی و ضداطلاعاتی بریتانیا

Declassified (۱۱)

(۱۲) یکی دیگر از سازمانهای اطلاعاتی و ضداطلاعاتی بریتانیا